

## بررسی گزارش

### گروه عالی رتبه ائتلاف تمدن‌ها:

### ترمیم گسل‌های تمدنی اسلام و غرب

ترجمه و تدوین:

حسین سپهر

#### ۱. خلاصه کاربردی

۱-۱. گزارش گروه عالی رتبه ائتلاف تمدن‌ها منادی کاهش اختلافات و تعارضات فرهنگی و تمدنی اسلام و غرب و خط بطلانی بر نظریه برخورد تمدن‌هاست.

۱-۲. مقابله با نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و افراطی‌گری‌ها، تأمین رفاه، آزادی و پیشرفت جوامع انسانی از خواسته‌های تدوین‌کنندگان گزارش مزبور است. در این میان، حفظ هویت و آیین جوامع حائز اهمیت می‌باشد.

۱-۳. «ائتلاف تمدن‌ها» مکمل نظریه گفت‌وگوی تمدن‌هاست و همانند آن از مقبولیت عام جهانی برخوردار می‌باشد. در حقیقت، روند تحولات سیاسی دهه اخیر ضرورت ائتلاف، نزدیکی و همگرایی اندیشمندان و فرهیختگان ملل و تمدن‌های مختلف را در قالب یک سازوکار دائم به ما یادآوری می‌نماید.

۴-۱. هیچ‌یک از مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها قتل عام و کشتار شهروندان بی‌گناه را نمی‌پسندند. ایدئولوژی‌های افراطی از طرف دولت‌ها و گروه‌های تروریستی با تفسیر غلط از محتوا و مضامین کتب مذهبی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند که گزارش بر ضرورت مقابله با آن تأکید می‌ورزد.

۵-۱. تشکیل یک سازوکار برای رفع مشکلات و معضلات حاد جهانی به‌ویژه ترمیم گسل‌های تمدنی اسلام و غرب در قالب «سازمان بین‌المللی تمدن‌ها» ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

## ۲. مقدمه

گروه عالی‌رتبه سازمان ملل متحد برای «ائتلاف تمدن‌ها» گزارشی جامع از نتایج یک سال فعالیت با هدف کاهش خشونت‌ها در جهان و تقویت ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها را در اجلاس استانبول در تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۰۶ منتشر کرد. در این گزارش عنوان شده که قضایای عراق و فلسطین در تعمیق گسل‌های میان اسلام و غرب نقش عمده‌ای داشت. پیشنهادات مندرج در این گزارش برای رفع و حل و فصل اختلافات موجود ضروری به نظر می‌رسد.

در گروه عالی‌رتبه ۱۸ نفری «ائتلاف تمدن‌ها» علاوه بر آقای «سید محمد خاتمی» رئیس مؤسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، کوفی عنان، دبیرکل سابق سازمان ملل نخست وزیران ترکیه و اسپانیا، شخصیت‌های برجسته بین‌المللی همچون «فدریکو مایورا» مدیرکل سابق یونسکو هوبر ودرین وزیر خارجه اسبق فرانسه و ... حضور دارند.

این نوشتار در ابتدا با بررسی سابقه تاریخی موضوع، فهم و درک بهتری از مفهوم ائتلاف تمدن‌ها ارائه می‌دهد. محورهای بحث این گزارش بر کاهش اختلافات جهانی، افراطی‌گرایی، مذهب، مسائل خاورمیانه، گرایش‌های جوامع مسلمان، گسترش آموزش، مهاجرت‌ها، رسانه‌ها و جوانان تمرکز دارد. در ادامه

تحلیلی از نکات محوری گزارش با توجه به مسائل مبتلا به جهان اسلام و غرب ضروری می‌نماید. در پایان یک جمع‌بندی از محتوا و اهم مطالب این نوشتار ارائه می‌گردد.

### ۳. پیشینه

ائتلاف تمدن‌ها<sup>۱</sup> بر این پیش‌فرض استوار است که تعامل و وابستگی متقابل بین فرهنگ‌ها، مذاهب، جوامع و ملت‌ها روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود. تأثیرپذیری ملت‌ها از یکدیگر و تعامل آنها همه حوزه‌های زندگی نظیر توسعه، محیط زیست، روش زندگی، اقتصاد و حتی امنیت را دربرمی‌گیرد. ائتلاف می‌خواهد یک اراده جمعی و آگاهی عمومی در سطح جهان ایجاد شود تا اقدامی هماهنگ و سامان‌یافته در بین مردم جوامع، در سطوح مدنی و دولتی شکل گیرد تا بر سوء برداشتها، پیش‌داوری‌ها و قطب‌بندی‌هایی که در مسیر تعارض و نخاصم بین فرهنگ‌ها و مذاهب سیر می‌کند فائق آید.

با اوج‌گیری عملیات تروریستی در اروپا به‌ویژه در اسپانیا و ترکیه، اندیشه ائتلاف تمدن‌ها توسط نخست‌وزیران این دو کشور با دبیرکل سازمان ملل مطرح شد. بر پایه این پیشنهاد، دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ هیجده نفر از شخصیت‌های ممتاز فرهنگی جهان را با هدف بررسی چالش‌های بین جهان اسلام و دنیای غرب انتخاب کرد.

این گروه تاکنون پنج اجلاس در کشورهای اسپانیا، قطر، سنگال، امریکا (مقر سازمان در نیویورک) و ترکیه برگزار کرده است. نتایج مباحث انجام‌شده در قالب گزارشی عرضه گردید که هدف آن شناسایی حادترین چالش‌ها و به‌دست آوردن مناسب‌ترین روش‌ها برای رویارویی با آنهاست. وظیفه این گروه بررسی علل، زمینه‌ها و پی‌آمدن‌های افراطی‌گری در زمان ماست.

تعارض بین جهان اسلام و دنیای غرب، رشد افراط‌گری و یکجانبه‌گرایی و نتایج هولناک ناشی از آن بن‌مایه نگرانی این گروه را تشکیل می‌دهد.<sup>(۱۱)</sup>

#### ۴. محتوای گزارش

##### ۴-۱. کاهش اختلافات جهان

گزارش با نگرانی می‌گوید: جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم به طرز هشداردهنده‌ای نامتوازن و نامتعادل است. برای بسیاری از جوامع، قرن گذشته پیشرفت، رفاه و آزادی بی‌سابقه‌ای به ارمغان آورد. در جهان امروز بی‌قانونی و تناقض زیادی حکمفرماست.

جهانی که در آن درآمد سه نفر از ثروتمندترین افراد آن برابر با درآمد کشورهای کمتر توسعه‌یافته است؛ اوج عدم تعادل را نشان می‌دهد. از سویی دیگر با وجود پزشکان خیره و حرفه‌ای که در علم پزشکی شگفتی خلق می‌نمایند، بیش از ۳ میلیون نفر هر سال در اثر بیماری‌هایی که قابل پیشگیری هستند، جان می‌بازند. ۱۳۰ میلیون کودک نیز به آموزش ابتدایی دسترسی ندارند. در سال‌های اخیر جنگ‌ها، اشغال‌گری‌ها و اعمال تروریستی بی‌اعتمادی و ترس متقابل را در جوامع حکمفرما ساخته است.

برخی رهبران سیاسی، رسانه‌های گروهی و گروه‌های رادیکال از این فضا نیز با تصویرسازی و انعکاس شکلی از جهان چندفرهنگی با مذاهب و تمدن‌ها و تاریخ منحصر به فرد و متفاوت از هم جهت نیل به اهداف سیاسی خویش بهره برده‌اند. گزارش توصیه می‌نماید ترویج گفت‌وگو، تفاهم و تکوین اراده سیاسی جمعی، به مثابه ابزاری برای مقابله با بی‌عدالتی‌های جهان و کاهش اختلافات بین جوامع مورد استفاده قرار گیرد.

## ۲-۴. هویت‌ها و ادراک‌ها<sup>۱</sup>

هویت‌های فرهنگی گوناگون جزئی از میراث غنی و تجربی بشر است. به همین دلیل بایستی مورد احترام و توجه قرار گیرند. به‌ویژه سنت‌ها و عرف‌ها نقش قاطعی در توسعه و انتقال هویت مدرن ایفا می‌کنند. اما فشار جهانی شدن چالش مهمی را در برابر هویت‌های جمعی در بسیاری از مناطق جهان به وجود آورده است. در امریکای لاتین، افریقا و آسیا، پیشرفت‌های به وجود آمده در نیمه دوم قرن بیستم این امکان را برای ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف به وجود آورد تا با راحتی بیشتری با یکدیگر ارتباط و تعامل برقرار نمایند و در مورد منافع مشترکشان مذاکره کنند و منافع خود را با حفظ تمایزات هویتی و سیستم شهروندی دنبال نمایند.

آنچه در حال ظهور است چشم‌انداز رفاه اقتصادی برای برخی، یکسانی و نزدیکی فرهنگ‌ها، جابه‌جایی وسیع خانواده‌ها به‌علت گسترش شهرنشینی، تحول در شیوه‌های سستی زندگی و انحطاط محیط زیست می‌باشد. در چنین شرایطی جوامع فکر می‌کنند باید با به حاشیه کشانده شدن فرهنگشان مبارزه کنند، دورنمای تاریکی که برای آینده می‌بینند آنها را وادار می‌کند تا با قدرت بیشتری از هویت و فرهنگ خود دفاع کنند. *مطالعات فرهنگی*

در جوامع دموکراتیک، هنگامی که گروه‌هایی با تاریخ مشترکی از تبعیض و قربانی شدن، حقوق برابر و مشارکت سیاسی را مطالبه می‌کنند، این مطالبات می‌توانند با کمک روش‌های صلح‌طلبانه و مسالمت‌آمیز مطرح شوند. اما در نظام‌های سیاسی که راه‌های ابراز اعتراض و شکایت وجود ندارد، گروه‌های سیاسی و نظامی ظهور پیدا می‌کنند که برای به‌دست گرفتن قدرت از ابزارهای خشونت‌آمیز استفاده می‌نمایند. درحالی‌که جنبش‌های معترض از دید برخی

به‌عنوان جنبش‌های رهایی‌بخش یا آزادی‌خواه قلمداد می‌شوند، از دید برخی دیگر به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی به حساب می‌آیند. در چنین حالتی، افراطیون برای کسب منافع اقتصادی یا سیاسی توانایی برانگیختن احساسات مردم تحقیرشده را به‌وسیله محرک‌های دینی و مذهبی یا قومی دارند.

### ۳-۴. ظهور افراط‌گرایی<sup>۱</sup>

گزارش درباره افراطی‌گرایی اذعان می‌دارد: نظریه‌پردازان سیاسی با استناد به مذهب در تحلیل‌هایشان این چنین تفسیر می‌کنند که عامه مردم با تحریف اعتقادات مذهبی‌شان مورد سوءاستفاده واقع می‌شوند. این خود یک علت اساسی منازعات بین فرهنگی و تمدنی است. پیامد آن این است که سؤ تفاهم‌ها را در بین جوامع پراکنده و شایع می‌سازد. در واقع امروزه روابط نمادین بین مذهب و سیاست در حال ظهور است که هرکدام از دیگر تأثیر می‌پذیرد. از اواسط قرن هیجدهم تا اواسط قرن بیستم، تعدادی از نخبگان روشنفکر و سیاسی فکر می‌کردند که تجدد (مدرنیزاسیون) نیروی حیات و زندگی مذهبی را شکست خواهد داد.

اما در طی دهه اخیر، برعکس شاهدیم تا حدودی تمام اصول مذهبی جهان، این مفروضات را به زیر سؤال برده‌اند و نقش آنها در سیاست جاری، به‌صورتی ملموس فعال شده است. در هریک از جوامع تکیه‌گاه و حمایت رو به افزایشی برای نقش بیشتر مذهب در زندگی عمومی مردم در حال شکل‌گیری است. اکثر این جوامع این خواسته و آرزو را که در آنها نیست دشمنی مذهبی بیش از پیش محو شود دارند. به همین دلیل شاهدیم که افکار عمومی، گروه‌های مذهبی که مشارکت در اعمال خشونت‌زا را در سراسر جهان ترغیب می‌نمایند، طرد می‌کند.

گزارش در خصوص بنیادگرایی می‌گوید: در این مرحله، می‌بایست درک و فهم ما از برخی الفاظ و اصطلاحات کاربردی مهم روشن شود. «بنیادگرایی» یک اصطلاح غربی است که از طرف مسیحیان پروتستان جعل و درست شده است. این اصطلاح اغلب برای توصیف جنبش‌های آشوب‌گر و اخلال‌گر از طریق به حاشیه کشاندن مذهب در جوامع غیرمذهبی به کار گرفته شده است. به‌طوری که برخی از این جنبش‌ها در واقع متعصبین زمانه ما بودند. با وجود ابهام در کاربرد این اصطلاح، مهم است دقت نماییم که چنین جنبش‌هایی در اکثر سنت‌های مذهبی وجود دارند. بیشتر آنها ذاتاً و فطرتاً خشونت‌زا نیستند، وجه مشترک‌شان یأس و سرخوردگی عمیق از مدرنیته غیرمذهبی است، به‌طوری که از آن احساس هراس و وحشت دارند. بسیاری از آنها حالت تهاجمی، غیراخلاقی و محروم از معنا و فهم خیلی عمیق را تجربه کرده‌اند. افراط‌گرایی بخش از رفتارشان است که تعقیب اهداف سیاسی به همراه اقدامات رادیکالی را توصیه می‌کند.

در برخی موارد، ایدئولوژی‌های بنیادگرا و افراطی می‌تواند به‌منظور توجیه اعمال خشونت‌آمیز و حتی حملات تروریستی علیه شهروندان یا غیرنظامیان به کار گرفته شوند. ضروری است اقرار نماییم که هیچ‌یک از مذاهب جهانی قتل عام و کشتار بی‌گناهان را موجه ندانسته و تأیید نمی‌کنند. با وجود ترویج عقاید همدردی، عدالت و احترام برای شأن حیات انسان‌ها در مذاهب متفاوت، در تعدادی از مناقشات اخیر در چندین منطقه جهان، مذهب برای توجیه عدم تساهل، خشونت و سلب حق حیات انسان‌ها بهره‌برداری شده و تعداد قابل توجهی از اعمال خشونت‌آمیز و تروریسم از طرف گروه‌های رادیکال اقلیت در جوامع مسلمان ارتکاب یافته است. متأسفانه به‌دلیل این اعمال، اسلام به شکلی

غلط از طرف برخی به عنوان مذهب بنیادگرایی و خشونت‌زا تعبیر و فهمیده شده است.

گزارش در ادامه می‌افزاید: وقایعی دهشتناکی نظیر هولوکاست، سرکوب مخالفان استالین در اتحاد شوروی و نسل‌کشی‌های دهه اخیر در کامبوج، بالکان و رواندا همگی از طرف نیروهای دولتی ارتکاب یافت. روی هم رفته، بررسی و بازبینی سریع وقایع قرن بیستم به ما نشان می‌دهد که هر گروه، فرهنگ یا منطقه جغرافیایی، با جهت‌گیری و خط‌مشی سیاسی انحصاری در افراط‌گرایی و اعمال تروریستی دست داشته‌اند.

#### ۴-۴. خاورمیانه

نویسندگان گزارش در خصوص مسائل خاورمیانه معتقدند: تقسیم فلسطین از سوی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ با پیش‌بینی تأسیس دو دولت اسرائیلی و فلسطینی و ایجاد وضعیت خاصی برای بیت‌المقدس به استقرار دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ منتهی گردید و با برانگیختن یک سلسله حوادثی پیچیده و زیرکانه در روابط جوامع مسلمان و غرب استمرار یافت. گزارش در ادامه تصریح می‌نماید: اشغال دائم فلسطین و سایر سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل و وضعیت لاینحل شهر بیت‌المقدس به عنوان شهر مقدس مسلمانان، مسیحیان و یهودیان جهان که با رضایت و توافق ضمنی دولت‌های غربی همراه بود، یکی از عمده‌ترین علت اختلاف غرب و اسلام می‌باشد.

این اشغالگری از جمله عوامل اصلی ایجاد رنجش و خشم مسلمانان جهان علیه قدرت‌های غربی است. اشغال فلسطین در افکار عمومی جهان اسلام به عنوان «مظهر استعمارگری غرب» قلمداد می‌شود. این رنجش‌ها و استنباط‌های مسلمانان از غرب با اقدام تلافی‌جویانه و تهاجم اسرائیل به نوار غزه و جنوب لبنان شدت یافت.

در مورد روابط آینده اسلام و غرب بایستی واقعیات سیاسی معاصر را از



نگاه میلیون‌ها مسلمان بنگریم. راهکار، پیشگیری از تداوم مناقشه اسرائیل - فلسطین، رفع خشونت در افغانستان و کاهش منازعات قومی و مذهبی، بیش از پیش تشدید شده در عراق است. گزارش در ادامه توصیه‌های خود می‌افزاید: «ما باید به مسئله فلسطین که هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود توجه ویژه‌ای داشته باشیم، زیرا یک علت عمده تداوم ائتلاف میان جوامع مسلمان و غربی، همین موضوع است. مضافاً، عقیده جمعی و واحد خود را این‌گونه بیان می‌کنیم که ما با فقدان یک راه‌حل درست و عادلانه، شایسته و دموکراتیک مبتنی بر اراده تمام افراد درگیر در این مناقشه مواجه‌ایم».

گزارش در ادامه توصیه می‌نماید هیئتی از نمایندگان عالی‌رتبه از سوی جوامع غربی و اسلامی برای «تنش‌زدایی» تشکیل گردد تا در مواقع بحرانی به‌عنوان عناصر میانه‌رو طرفین عمل کند. گزارش نتیجه می‌گیرد که بخش عمده‌ای از خصومت‌های طرفین نسبت به یکدیگر، از ناآگاهی و عدم شناخت نشأت می‌گیرد.

#### ۴-۵. گرایش‌ات در جوامع مسلمان

گزارش درباره سلاقی و گرایش‌ات حاکم در بلاد اسلامی می‌افزاید: با پایان عصر استعمار، تعدادی از اندیشمندان مسلمان جوامع‌شان را به انطباق و سازگاری با تغییرات جهان پیرامون ترغیب نمودند. رهبران کشورهای اسلامی بعد از نیل به استقلال، جهت هدایت جوامع‌شان به سمت رشد و توسعه با برنامه‌های مدرنیزاسیون مواجه شدند. این سیاست‌ها اغلب از نگاه احزاب و رهبران مذهبی به منزله جزئی از برنامه غیرمذهبی کردن جامعه تلقی می‌شد و واکنش‌های آنها را به‌دنبال داشت.

در دهه اخیر مدرک و نشانه‌ای از توسعه مجموعه متنوعی از جنبش‌های مذهبی - سیاسی که به‌طور مبهم «اسلام‌گرایان»<sup>۱</sup> نامیده می‌شدند به دست آمده

است. آنها از اعتبار و پشتوانه مردمی که تا اندازه‌ای از تعهداتشان به خدمات اجتماعی ضروری در بخش‌های محروم جامعه به‌ویژه در زمینه‌های بهداشت و آموزش ابتدایی ناشی می‌شود بهره‌مند بودند. جنبش‌های اسلام‌گرا با رهبران رژیم‌های حاکم به‌دلیل عدم توفیق آنها در تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی جوامع‌شان به مخالفت پرداختند.

گزارش در خصوص رشد اسلام‌گرایی می‌گوید: «با وقوع تحول در روابط بین جوامع غربی و مسلمان، حائز اهمیت است توجه نماییم که اسلام افراطی عمل‌گرا لزوماً به معنای ایجاد و خلق اسلام نظامی‌گری و خشونت‌زا در جامعه نیست و اسلام‌گرایان به‌طور ارادی تمایلی به مقابله با غرب و مظاهر تمدنی آن ندارند. به‌علاوه این مسئله را نمی‌توان از نظر دور داشت که تهاجم به برخی کشورهای مسلمان از جانب قدرت‌های غربی با هدف سر به نیست کردن و حذف جنبش‌های سیاسی - مذهبی در برخی کشورهای مسلمان، انگیزه و علل ظهور اعمال خشونت‌زا در این جوامع هستند. همان‌طور که تاریخ به‌وضوح نشان داده است، سرکوب سیاسی و تداوم اشغالگری، مقاومت داوطلبانه ضد اشغالگری و خفقان را برمی‌انگیزد».

گزارش در ادامه می‌افزاید: «روایات و حکایات نادرست از تاریخ قدیم از جانب برخی جنبش‌های رادیکال سیاسی - مذهبی برای تشریح تصویر نگران‌کننده از جوامع با ایمان و از لحاظ تاریخی متفاوت و منحصرأ چندگانه غربی و اسلامی مورد استفاده قرار گرفتند. مهم‌ترین نکته‌ای که برای اهداف این گزارش مسلم و مسجل شده این است تاریخ تحریفی، علت مناقشات امروزی و افزایش خصومت بین جوامع مسلمان و غربی را تشریح نمی‌نماید. بلکه برعکس، ریشه‌های این خصومت را باید در تحولات قرن‌های نوزدهم و بیستم جست‌وجو کرد که با "امپریالیسم اروپایی"<sup>۱</sup> آغاز و با "جنبش‌های

ضداستعماری<sup>۱</sup> به عنوان میراث تقابل اسلام و غرب تداوم یافت». نویسندگان گزارش تأکید دارند غلبه بر اختلافات بین دو طرف ضروری است و می‌افزایند روابط بین مسلمانان و غرب به گفته آنان، دستخوش ترس و بی‌اعتمادی دو جانبه شده است. در عین حال، نویسندگان گزارش این نظر را نفی می‌کنند که تمدن غرب و اسلامی به سوی برخورد اجتناب‌ناپذیر حرکت می‌کنند.

#### ۶-۴ گسترش آموزش

گزارش درباره بحث آموزش تصریح می‌نماید: «اعضای گروه عالی رتبه ائتلاف تمدن‌ها معتقدند به طور حتم از قبل نگرانی‌های زیادی در بطن جامعه بین‌المللی در مقابله با فروکش کردن مناقشات مهلک وجود دارد. در کنار این، یک خواست عمومی در حال شکل‌گیری است که به سمت ارزش‌های جهان‌شمولی همچون «امنیت و رفاه»<sup>۲</sup> بشریت حرکت می‌کند. امروزه نظام‌های آموزشی با چالش وابستگی بیش از پیش مردم جهان به یکدیگر مواجه‌اند. این وابستگی هویت‌های جمعی و فردی را متزلزل می‌سازد. البته آموزش بر پایه ویژگی تاریخی خود، حس مشترک و همبستگی بین ملت‌ها را برمی‌انگیزد».

نویسندگان گزارش معتقدند بایستی از طریق شناخت مسائل جهانی و مقایسه و بررسی جوامع و فرهنگ‌ها، توازن در امر آموزش برقرار شود. آموزش تحت اشکال مختلف آن از جمله موسیقی، ورزش، هنر، تئاتر و سینما می‌تواند به ایجاد پل ارتباطی بین جوامع و مردم مختلف کمک نماید. در گزارش بر آموزش «مدنیت و صلح دوستی»<sup>۳</sup> تأکید شده است. آموزش مدنیت یا شهروندی شیوه‌های برخورد با مسائل هویتی و تشویق احترام به عقاید و

- 
1. Les Mouvements anticolonialistes
  2. La Sécurité et de prospérité
  3. Civique et Pacifique

نظرات مختلف را دربرمی‌گیرد و در تقابل با ایدئولوژی‌های رادیکال که از جهان تک‌هویتی منحصر به فرد و نگاهی خاص حمایت می‌کنند، فرار می‌گیرد. به‌علاوه با چنین رویکرد رادیکالی می‌توان از طریق توسعه احترام به فرهنگ‌های متفاوت و مقایسه ارزش‌های مشترک و ایده‌آل مقابله کرد. شهروندان جامعه جهانی باید با این اصول همان‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ملل متحد و کنوانسیون تنوع فرهنگی (یونسکو) آمده است آشنا بشوند. این اسناد خواهان تغییر و تحول در جهان متکثر با شیوه‌های آموزشی روز هستند.

#### ۷-۴ مهاجرت‌ها

گزارش بر اهمیت مهاجرت پویا و فعال در جهان اشاره دارد و در این باره می‌گوید: «امروزه در عمل هر کشور در عین حال به مبدأ و مقصدی برای مهاجرین تبدیل شده است. در حقیقت ما اکنون در جهانی با مرزهای بیش از پیش نفوذپذیر که در آن نقل و انتقال و ارتباطات مردم کاملاً دگرگون و متحول شده، اقتصاد جهانی شده و جوامع مختلف که به کنش متقابل با یکدیگر از مسیر مهاجرت‌های مداوم سوق داده شده‌اند زندگی می‌کنیم».

گزارش می‌افزاید: «این مهاجرت‌های دائم چالش‌های جدیدی در کشورهای عمده مهاجرپذیر در پی داشته است، لذا اتخاذ ابتکارات مؤثر برای مقابله با این چالش‌ها از طریق تدوین استراتژی‌های هماهنگ در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با رفتارهای غیرانسانی، تبعیض‌آمیز با جمعیت مهاجران ضروری به نظر می‌رسد».

گزارش در ادامه می‌گوید: «الحاق یا ادغام جمعیت مهاجرین در کشور مقصد به‌طور حتم چالش‌ها و مشکلات متعددی برای پذیرش آنها در نظام‌های آموزشی، اجتماعی و رفع محدودیت‌های اقامت و کار به دنبال داشته است. «حملات نژادپرستانه» و «بیگانه‌ستیزی» از موانع عمده پذیرش مهاجران در

کشورهای مبدأ است. به علاوه، الحاق جمعیت مهاجرین مسلمان در ایالات متحده و اروپا با چالش‌های زیادی به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر مواجه بوده است.»

#### ۸-۴. رسانه‌ها

گزارش در خصوص رسانه‌ها اذعان می‌دارد: «رسانه‌های حرفه‌ای بایستی توسعه یابند و نرم‌های مجاز رسانه‌ای را بیان و به کار گیرند. همان‌طور که می‌دانیم قدرت کلمات و تصاویر فهم ما را از جهان شکل می‌دهند و نمی‌توانند بیش از ارزش واقعی خود ارزیابی گردند. مضافاً، رسانه‌های حرفه‌ای بایستی این قدرت را از طریق پاسخگویی به نیازهای مخاطبین به کار گیرند. در این زمینه، تدوین و ارائه اخبار یا گزارش‌های خلاصه و مفید حائز اهمیت هستند.

گزارش در ادامه توصیه می‌نماید برنامه‌های آموزشی بایستی با آموزشگاه‌های خبرنگاری که علاقه و تمایل خود را به تعلیم خبرنگار با هدف گسترش فهم و درک خبرنگاران درباره مسائل بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌های سیاسی و مذهبی پیچیده ابراز داشته هماهنگ شده و افزایش ظرفیت‌های آنها در اطلاع‌رسانی صحیح به مردم و ایجاد توازن را در دیدگاه‌های مختلف توسعه دهند. با گسترش رسانه‌های گروهی، فهم و درک مدافعان چندفرهنگی بهبود و اصلاح می‌شود. به عقیده نویسندگان گزارش، هنگامی که روابط بین جوامع غربی و جوامع پیشتاز مسلمان، به روز شود و تولیدات و تألیفات علمی با محتوای قابل قبول عرضه شود، در آن صورت می‌توان عمیقاً به فهم آگاهانه از مسائل در دوران بحران کمک نمود.

#### ۹-۴. جوانان

گزارش راجع به مسائل جوانان تصریح می‌نماید «ائتلاف جهانی جوانان»<sup>۱</sup>

بایستی به مثابه سازوکاری مستقر بشود تا از طریق آن جوانان بتوانند به تحقق و اجرای تمامی توصیه‌های مذکور در این گزارش کمک نمایند. (نه فقط آنهایی که تحت موضوع جوانان تمهید شده‌اند).

گزارش معتقد است از طریق گردآوری و بسیج شبکه‌های مختلف و انجمن‌های جوانان به منظور کمک یا تسهیل گفت‌وگو، اتحاد و فرهنگ صلح می‌توان اقداماتی را آغاز نمود.

گزارش توصیه می‌کند رهبران مذهبی و بازیگران جامعه مدنی بایستی شبکه‌ای از وبسایت‌ها ایجاد نمایند که به ارتباط و تماس جوانان با عالمان مذهبی منجر شود. این امر می‌تواند چالش‌های معاصر که هرکدام از جوانان امروزه با آنها مواجه‌اند، از طریق تبادل نظر گروهی با چهره‌های شاخص و برجسته مذهبی تخفیف دهد. گزارش توصیه می‌کند تا مفسران تاریخ و نویسندگان مذهبی در این محافل گفت‌وگو و مباحثه حضور یابند تا رویکردهای افراطی امکان ظهور نیابند.<sup>(۲۱)</sup>

## ۵. ارزیابی

۱. همان‌طور که می‌دانیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اتفاق آرا از پیشنهاد محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق برای نامیدن سال ۲۰۰۱ میلادی به‌عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها استقبال و آن را تصویب کرد. اما پس از حوادث ۱۱ سپتامبر شاهدیم مسلمانان امریکا هدف تحقیر و توهین و خشونت قرار گرفتند. تصویری که از اسلام توسط رسانه‌های صهیونیستی ترسیم می‌شد تمام مسلمانان را بنیادگرا و تمام بنیادگراها را تروریست جلوه می‌داد.

مشارکت آقای خاتمی در کنگره سالانه مسلمانان امریکای شمالی (ایسانا) که در شهر شیکاگو برگزار شد، نقش مهمی در افشای این اتهامات داشت. وی در سخنرانی بسیار موثر خود «اسلام‌هراسی» را نه تنها تهدیدی علیه مسلمانان

بلکه مانعی برای صلح و عدالت جهانی قلمداد کرد. وی مسلمانان را به حفظ هویت سیال و فعال خود در مواجهه با امواج حرکت‌های سکولار و دین‌گریز در جامعه امریکا فرا خواند و آنها را از خشونت‌ورزی و واپس‌گرایی که با گوهر اسلام بیگانه است پرهیز داد و به عقل‌گرایی، مردم‌سالاری و پیشرفت دعوت کرد.

۲. رئیس مؤسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در ارزیابی اجلاس اخیر ائتلاف تمدن‌ها در استانبول گفت: «ائتلاف برای تمدن‌ها و گفت‌وگوی تمدن‌ها هر دو جهت مشترکی دارند». وی در توضیح وجه مشترک این دو مفهوم افزود: «احساس نگرانی از وضعیت حاکم بر بشریت و نیز خواست رفع سوءتفاهمات میان شرق و غرب و تمدن‌های مختلف و یافتن راهکارهایی برای حل مسائل مشترک و رسیدن به اهداف همسو، از وجوه اساسی این دو مقوله است».<sup>(۳)</sup>

۳. کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل متحد با تأیید گزارش گروه عالی رتبه «ائتلاف تمدن‌ها» پذیرفت که برخی تحولات در روابط غرب و اسلام منجر به بروز تنفر و بدبینی تمدن‌ها شده است. دبیرکل حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، تنش‌های نظامی در خاورمیانه و بحران ناشی از آنچه ترسیم و توزیع بدون ملاحظه تصاویر می‌خواند از جمله علل تنش بین فرهنگ‌های اسلامی و غربی توصیف کرد. (اشاره دبیرکل به تصاویری از پیامبر اسلام بوده که به اعتراض‌ها و تظاهرات گاه خشونت‌آمیز در تعدادی از کشورهای مسلمان منجر شد).

دبیرکل اظهار داشت امروزه «ابتکار ائتلاف تمدن‌ها»، جنبشی جهت مبارزه با اختلافات، پیش‌داوری‌ها، عدم تفاهم بین فرهنگ‌ها به‌خصوص اسلام و غرب که به‌طور بالقوه صلح را در جهان تهدید می‌کند در نظر گرفته می‌شود. حوادث سال‌های اخیر آثار اختلاف عظیم و فقدان درک دوجانبه بین جوامع

اسلامی و غربی را تشدید نمود. ائتلاف تمدن‌ها به‌عنوان ائتلاف علیه این نیروها و جنبشی برای ارتقای احترام دوجانبه به عقاید و سنت‌های مذهبی و تأیید استقلال آرا و عقاید انسان‌ها در همه زمینه‌ها از جمله محیط سالم توسعه اقتصادی است.<sup>(۱)</sup>

## ۶. نتیجه‌گیری

۱. پیشنهادات و توصیه‌های گروه عالی‌رتبه «ائتلاف تمدن‌ها» پاسخی به شکاف عمیق جهان اسلام و غرب که یک سوی آن تاریخ استعمار و سلطه و سوی دیگر مقاومت و درگیری است می‌باشد. پیشنهادات به‌صورت «کتاب سفید» یا «سند سفید» تنظیم و مطرح شده‌اند. نکته‌ای که در کارکرد گروه مذکور متجلی است این است که توصیه‌ها از ضمانت اجرای قوی و مناسب بی‌بهره‌اند زیرا راجع به نقاط کور فرهنگی و گسل‌های تمدنی بین دولت‌های عضو سازمان ملل متحد اجماع وجود ندارد.

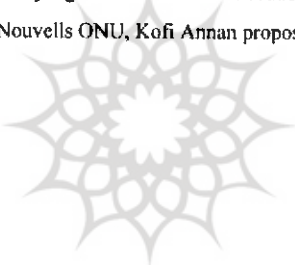
۲. ترویج دموکراسی، توسعه آموزش، مدنیت و صلح و دوستی، رسانه‌های آزاد، توجه به پدیده مهاجرت و مشکلات جوانان، مقابله با بنیادگرایی و افراطی‌گری در هر نوع آن، خواسته‌های گروه عالی‌رتبه «ائتلاف تمدن‌ها» از دولت‌ها و مجامع بین‌المللی می‌باشند. تحقق آنها مستلزم اراده جمعی و پشتوانه مالی است. به‌علاوه ابتکار دموکراسی‌سازی گروه مزبور از نقطه‌نظر برد و دامنه عمل در تقابل با طرح خاورمیانه بزرگ و دموکراسی‌سازی واشنگتن قرار می‌گیرد.

۳. حضور «جناب آقای دکتر خاتمی» مبتکر «گفت‌وگوی تمدن‌ها» از ایران اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برای کشورهای اسلامی به وجود آورده است. «ائتلاف تمدن‌ها» از جانب ایران و کشورهای اسلامی می‌تواند به‌عنوان فرصت و محفلی برای تبادل نظر در خصوص مشکلات و اختلافات با غرب و تأمین منافع ملی و گروهی قلمداد شود.



### پی‌نوشت‌ها

۱. غلامعلی خوشرو، «ائتلاف تمدن‌ها»، معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک، پاییز ۱۳۸۵.
2. Le Repport du Group de Havt Niveau de L'Alliance des Civilisations, Le 13 Nov 2006. dans le site:<http://www.unaoc.org>
۳. غلامعلی خوشرو، «ناگفته‌های سفر خاتمی به امریکا»، رک:  
<http://webloy.aufbasij.org/archives/2006/10/uoeuuoeuauoeu-o.php>
4. Le Centre de Nouvels ONU, Kofi Annan propose Alliance des Civilisation, Le 14 Juillent 2006.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شؤون بشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی